



R:R — MONDAY

January 10 / 2022



فهرست

۰۱	یادداشت هفته: مدیریت سرمایه روانشناسانه سعید محمدی جزی	
۰۶	اخبار مهم	
۰۸	تخصیص دارایی: بهمن	
۱۳	محاسبه میزان ریسک: مهرباب	
۱۵	استاپ لاس: پوتیتو	
۱۸	هدف گذاری: محسن	
۲۰	DCA: امیرمحمد	



یادداشت هفته: مدیریت سرمایه روان‌شناسانه

1

R:R MONDAY
January 10 / 2022





موضوعی که اغلب در مباحث مدیریت سرمایه در بازارهای مالی عنوان می‌شود بر عملیات و محاسبات ریاضی و بر پایه ارقام برای کنترل و یا پذیرش ریسک هستند که غیرقابل انکار و تردید هستند.

اما کارکرد مهم مدیریت سرمایه در حقیقت ایجاد پایه‌های آرامش ذهنی در معامله‌گران است لذا باید مبنای روان‌شناسانه داشته باشد و پیدا کردن چنین روشی برای افراد مختلف با توجه به سوابق و توانایی‌های کنترل ذهنی و توان مالی و ریسک‌پذیری آنها متفاوت و متنوع خواهد شد و به نوعی شخصی‌سازی مدیریت سرمایه منجر می‌شود هرچند که اصول مدیریت سرمایه برای همه یکسان اعمال می‌شود ولی در فروغ می‌تواند منعطف‌تر و متنوع‌تر باشند. اگر روشی را انتخاب کرده‌اید و آرامش خیالی از بابت میزان سرمایه در خطر خود ندارید یعنی باید در مدیریت سرمایه خود تجدیدنظر کنید با احتمال خیلی زیاد عوامل ذهنی دیگری شما را وادار به پذیرش ریسک زیادتر/کمتر کرده و باعث به هم خوردن آرامش خیال شما شده است که حتماً باید در آن تجدیدنظر کنید و نقاط حساس ذهنی خود را بکاویید و سپس شیوه مدیریت سرمایه خود را اصلاح کنید.

از آن‌جا که شرط فعالیت در بازار ماندگاری در آن و سپس داشتن کیفیت کاری که منجر به سودآوری بشود هست لزوم کنترل ریسک‌های بازار توسط معامله‌گران یک اصل مسلم و حتمی است و مراعات این اصل جز با تنها بخشی که کنترل آن در اختیار وی است ممکن نیست و آن بخش مدیریت سرمایه است.

از مجموعه ریسک‌های موجود در هر بازار و یا ابزار سرمایه‌گذاری (Instrument) هیچ کدام در اختیار و یا کنترل فرد سرمایه‌گذار عادی نیستند و تنها حربه دفاعی وی در مقابل این خطرات در بازار استفاده از یک سپر کارآمد به نام مدیریت سرمایه است



کارکرد مهم مدیریت سرمایه در حقیقت ایجاد پایه‌های آرامش ذهنی در معامله‌گران است

است و چرا باید با اعمال محدودیت سوددهی خود را تحت‌الشعاع قرار دهیم؟ از همین نقطه پایه‌های مدیریت سرمایه را بر سراب‌های ذهنی خود قرار می‌دهیم و البته نتیجه آن نیز جز شکست نیست.

مشکل دیگری که هنگام اعمال مدیریت سرمایه در معاملات خود داریم این است که ما مدیریت سرمایه را در دارایی‌های خود مراعات نکرده‌ایم و با ورود همه یا اکثر دارایی خود در بازار، فشار مالی و روحی زیادی را به خود وارد می‌کنیم.

پس بهترین راه حضور در بازار ابتدا با کنترل ریسک کلی یا اعمال مدیریت سرمایه بر همه دارایی‌های خودمان و سپس مدیریت سرمایه در بازار مالی و سرانجام با کنترل و مدیریت ریسک و سرمایه در تک‌تک معاملات است.

با این روال شما طی سه مرحله ریسک خود را مدیریت کرده و شوک‌های بازار که اجتناب‌ناپذیر هم هستند را کنترل خواهید کرد و بدون نگرانی از نوسانات بازار و آرامش خاطر در بازار رفتار خواهید کرد. احتمالاً اعمال مدیریت سرمایه در کوتاه مدت بر بازدهی سرمایه‌گذاری‌های شما تاثیر منفی داشته باشد ولی در بلندمدت با بقای شما و انباشتگی ناشی از اثر مرکب نه تنها جبران مافات خواهد شد بلکه موفقیت‌های چشمگیری را هم به همراه خواهد داشت.

تا بتواند تاب‌آوری خود را در بازار افزایش داده و آرامش خیال نسبی بیشتری را در مواقع زیان و یا مقدار بازدهی مناسب برای خود ایجاد کند.

اغلب مهم‌ترین عامل نگرانی و تشویش حاضرین در بازار از حرکت‌های مخالف پیش‌بینی خود در بازار نیست بلکه بیشتر به عدم مراعات حدود ریسک‌پذیری خود و نیز مدیریت سرمایه نامتناسب آن‌هاست و الا هر فرد حتی آماتوری در بازار نگرانی خاصی از فعال‌شدن حد زیان خود نباید داشته باشد چرا که هیچ موقعیتی احتمال موفقیت قطعی ندارد و زیان کردن در بازار امری عادی است و این تشویش و اضطراب ناشی از عدم مراعات اصول و نسبت‌های غیرعادی در مدیریت سرمایه و ریسک است که این آرامش را بر هم زده و فرد را وادار به واکنش‌های غیرمنطقی می‌کند و متأسفانه عدم مراعات آن‌ها بیشترین مشکلات را برای آماتورها و مبتدیان ایجاد می‌کند.

مساله مهمی که در هنگام اعمال مدیریت ریسک و تعیین و اجرای حجم معاملات و رعایت حد زیان برای سرمایه‌گذار سخت است مساله بازدهی متناسب وی در انتهای یک دوره کاری است. این بخشی است که از همان ابتدا اصول مدیریت سرمایه شما را تحت تاثیر قرار داده و شما را تشویق به عدم پایبندی به آن‌ها می‌کند چرا که مهم‌ترین هدف شما کسب سود





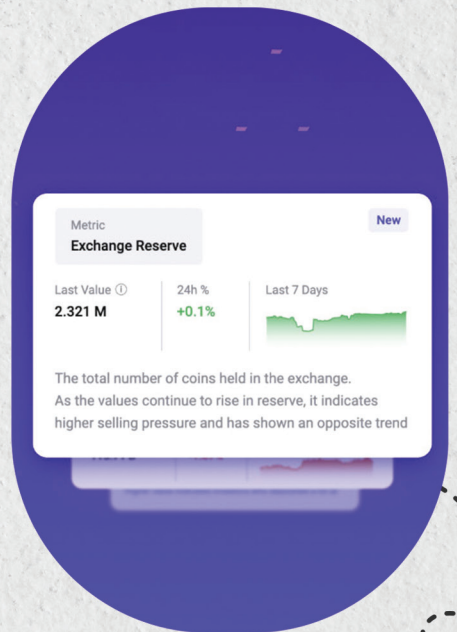
این‌جا نقطه‌ای است که کسانی که توان تحمل این دوره بدون بازدهی و یا حتی با بازدهی منفی را ندارند و اغلب کسانی هستند که معاش خود را به بازار گره‌زده یا با همه دارایی خود ریسک کرده‌اند دچار مشکل شده و با تحمل زیان سنگین و یا حتی ورشکستگی از بازار اخراج خواهند شد.

با این شیوه توان اعمال مدیریت سرمایه را قبل از ورود به بازار از خود به‌صورت ذهنی و روانی به‌خاطر شرایط معیشتی و بیرونی از خود سلب کرده‌اند و چون امکان بقا در بازار بدون مدیریت سرمایه امری غیرممکن است نهایتاً به جرگه اکثریت زیان‌کننده بازار خواهند پیوست و به شدیدترین حالت هم تنبیه خواهند شد.

حضور در بازار سرمایه بدون مدیریت سرمایه بیشتر شرکت در یک بخت‌آزمایی است تا یک فعالیت مالی سالم و سودآور و چه بدقبال کسانی که در قرعه‌کشی‌های اول خود در این بازار برنده شوند، چرا که در مراحل بعدی با هست‌ونیست خود بخت خود را آزمایش خواهند کرد و می‌شود آنچه نباید بشود! مراقب سلامتی و سرمایه خود باشید.

تغییرات جدید بخش‌های مختلف سایت کریپتوکوانت

- امکان مشاهده تمامی معیارها در یک نگاه، هنگام وارد شدن به سایت
- اضافه شدن ابزارهای جدید به نمودارها نظیر میانگین متحرک، نمودارهای لگاریتمی و خطی و ابزارهای بیشتر برای نمایش داده‌ها
- اضافه شدن تعدادی زیادی آلت‌کوین و داده‌های مربوطه
- رابط کاربری راحت‌تر و زیباتر و دسترسی راحت‌تر به منوهای سایت





کاهش ارزش بیش از ۲۵۰ میلیارد دلاری
بازار در هفته گذشته

پی‌پال در حال بررسی راه‌اندازی استیبل
کوین خود است

تقویت احتمال افزایش نرخ بهره در
امریکا

شرکت فناوری ترافیک هوایی بریتانیا از Hedera Hashgraph برای ردیابی پهپادها استفاده می‌کند.

پاکستان بایننس را به دلیل کلاهبرداری چند میلیون دلاری مورد بازجویی قرار می‌دهد.

یک مقام دولت ترکیه مالیات ۴۰ درصدی بر کریپتو در لایحه این کشور را رد کرد.

بنیاد حقوق بشر ۴۲۵ میلیون ساتوشی را به عنوان بخشی از صندوق توسعه بیتکوین خود اهدا می‌کند.

یک کیف پول نهنگ بایننس ۴۳,۰۰۰ بیتکوین به موجودی خود در ریزش اخیر اضافه کرد.

طبق گزارش‌ها، معاملات کریپتو در تایلند مشمول ۱۵ درصد مالیات بر عایدی سرمایه هستند.

صرافی بایننس دفتر کاری را در متاورس راه‌اندازی می‌کند

سرمایه‌گذار خطرپذیر (VC)، گورو، در حال برنامه‌ریزی برای جذب سرمایه ۹۰۰ میلیون دلاری در کریپتو است.

مدیر هج فاند Pantera ادعا کرد که ۵۰ درصد تراکنش‌های مالی جهانی در ده سال آینده مربوط به اتریوم خواهد بود.

سامسونگ با افتتاح فروشگاه مجازی در Decentraland وارد عرصه متاورس شد.

شهردار نیویورک قصد دارد سه حقوق اول خود را به بیتکوین دریافت کند.

به گزارش Block، کنگره آمریکا در حال آماده‌سازی یک جلسه استماع برای بررسی اثرات زیست‌محیطی استخراج رمزارزها به خصوص بیتکوین است.

کشور السالوادور به مرحله صدور اوراق بیتکوین نزدیک‌تر می‌شود. امروز وزیر دارایی این کشور اعلام کرد دولت برای شروع این روند حدود ۲۰ لایحه به کنگره ارسال خواهد کرد.

اعضای پارلمان بریتانیا در تلاش هستند تا دولت بریتانیا را متقاعد کنند موضع سختگیرانه‌تری در مورد صنعت در حال رشد رمزارزها اتخاذ کند.

مشکلات بلاک‌چین سولانا همچنان ادامه دارد و در هفته گذشته دو بار از دسترس خارج شد.

دیزنی فناوری پارک Metaverse را ثبت کرد.

بلومبرگ مدیرعامل بایننس را به عنوان ثروتمندترین فرد در حوزه کریپتو معرفی کرد.





و سرمایه بگم و چند تا کلمه کلیدی رو با هم مرور کنیم. این برای خود من هم انگیزه‌ای هست که بیشتر یاد بگیرم.

احتمالاً ضرب‌المثل «همه‌ی تخم‌مرغ هاتون رو تو یک سبد قرار ندید.» رو شنیده باشید. این حرف اصلی تخصیص دارایی هست. و منظور این است که سرمایه خودتون رو در دارایی‌های مختلفی وارد کنید.

بیایید از رمز ارزها یک زوم‌بک بکنیم. چه دارایی‌های دیگه‌ای می‌بینید؟ ملک، طلا، ارزهای فیات مانند دلار و یورو، سهام شرکت‌ها، اوراق قرضه دولتی، کالاهایی مانند خودرو.

حالا به نظر یک آدم عاقل و دانشمند، اگر من پیام ببینم چون دلار یا طلا به قولی داره می‌کشه بالا و برم تمام زار و زندگیم رو دلار کنم! چه ریسکی رو دارم به خودم (و احتمالاً به اطرافیانم) تحمیل می‌کنم؟

یکی از اصلی‌ترین سوال‌هایی که باید از خودمون قبل از ورود به بازار رمز ارزها بپرسیم این است که: با چقدر پول می‌خواهم وارد بازار شوم؟

من چون کارم با اتومیشن‌ها و معاملات الگوریتمی هست سوال بعدی رو هم از خودم می‌پرسم: چقدر از پولم رو تو بازار روی بات‌های خرید و فروش رمزارز سرمایه گذاری کنم؟

برای پاسخ به این سوال نیاز به دانش و تجربه «تخصیص دارایی» (Asset Allocation) هست تا بتونیم ریسک ورود و خروج از بازار را برای خودمون متعادل کنیم.

حتماً که افراد با دانش و تجربه‌ی بیشتری از من هستند که این بحث رو خیلی دقیق و کامل ارائه بدهند از طرفی در حد دو، سه پاراگراف نمی‌شه این مطلب رو انتقال داد. پس سعی می‌کنم که فقط کمی از نظر و تجربه خودم در مورد اهمیت تخصیص دارایی

خیلی زود عوض بشه اگر شواهد نشون بدن که بازار داره رشد می‌کنه. ولی هیچ کدوم از اینها مهم نیست. اول به من بگو که ارزش کل سرمایه زندگی‌ایت شامل ملک، ماشین، متعلقات، پول نقد، سهام و.. چقدر هست؟

استاد یک، دو دوتا چهارتا کرد و گفت که سرجمع دویست میلیون، می‌شه.

بعد بهش گفتم که به نظر من یک چیزی بین ۵درصد تا ۱۵درصد می‌تونه وارد بازار رمز ارزها بکنه، بسته به اینکه چقدر می‌خواد ریسک بکنه. استاد پرید وسط حرفم و گفت: خیلی آدم عاقلی هست و اصلا نمی‌خواد زیاد ریسک بکنه و یک ریسک نرمال برای شروع خوب است، پس بیاییم و با بیست میلیون شروع کنیم.

و با لحن سوالی از من پرسید که: خوبه دیگه؟

من: معلومه که خوبه، مهمترین چیز اینجا این است که وزنه‌ای رو بلند بکنی که تواناییش رو داشته باشی. و بعد با لبخندی رو لب ادامه دادم که:

به دلیل نوسانات خیلی زیاد تو این بازار ریسک از دست دادن پول بالا هست، چقدر راحت هستی اگر فردا صبح که از خواب بیدار بشی بیست میلیونی که گذاشتی بشه ده میلیون؟

اصلا چجوری باید ریسک رو بسنجیم؟ حالا شما به جای کلمه دلار یا طلا بگذار بیتکوین یا هر رمز ارز دیگه‌ای. پس ما نیاز به یک سطح از دانش و آگاهی داریم که ریسک ضرر و از دست دادن سرمایه و سود را با استفاده از «تخصیص دارایی» کنترل کنیم.

خب، برگردیم به رمز ارز خودمون. فرض کنیم که با نهایت درایت فهمیدیم که چقدر از کل داراییمون رو می‌خواهیم وارد این بازار کنیم. حالا بریم تو بازار رمز ارز و زوم کنیم داخل. در این بازار تخصیص دارایی به چه معنی است؟ آیا می‌تونیم بگیم که تخصیص دارایی در اینجا یعنی اختصاص درصد‌های مختلفی از سرمایه به رمز ارزها و توکن متفاوت و مختلف؟

به نظر من این کار لازم است ولی کافی نیست. همراه اینکه دارایی‌های متفاوتی رو باید تو سبد داراییمون داشته باشیم، باید استراتژی‌های متفاوتی رو در بازه‌های زمانی مختلف در خرید و فروش‌هامون در نظر بگیریم و اجرا کنیم. برای اینکه بتونم منظورم رو بهتر برسونم، بیایید با همدیگر سناریو زیر رو مرور کنیم:

من یک دوستی دارم که استاد صداس می‌زنم و این دوستمون، بعد از اینکه متوجه شد، قیمت بیت‌کوین همین‌طور داره می‌ره بالا و قرار نیست متوقف بشه می‌خواد تو بیتکوین سرمایه‌گذاری داشته باشه. این استاد اومد پیش من و از من راهنمایی خواست، من همون جا صدام رو کمی عوض کردم و گفتم که:

سلب مسئولیت از خودم: این متن هیچ توصیه‌ای به سرمایه‌گذاری نیست و تمام عددها و رقم‌ها من در آوردی هستند.

بعدش با صدای خودم ادامه دادم که الان به نظرم موقع خوبی برای ورود به بازار نیست، البته که نظر من هم ممکن است



- بین ۳۵ تا ۴۵ درصد روی بازه میان مدت
- بین ۴۰ تا حداکثر ۶۰ درصد روی بازه
بیشتر از یک سال.

بعد با هم تصمیم گرفتیم که برای استاد
با یک ریسک نرمال پیش بریم و خب نتیجه
این شد که از دویست میلیون پولی که
داشت، ده میلیون رو تخصیص دادیم به
بازار رمز ارز و از ده میلیون یک میلیون رو
برای بازه کوتاه مدت و چهار میلیون رو
تخصیص دادیم به میام مدت و پنج
میلیون رو هم گذاشتیم برای بلند مدت.

در ادامه هم، پیشنهاد کردم که به جای
سرمایه‌گذاری فقط روی یک دارایی مثل
بیت‌کوین، روی چند دارایی متفاوت مثل
اتریوم و یا توکن‌های دیگر هر کدام با
وزنی متفاوت که هوشمندانه انتخاب
شده باشد سرمایه‌گذاری بکند. و صد
البته، همراه با استراتژی‌های مختلفی
برای ورود و خروج از بازار.

به عنوان مثال برای شروع، چهار میلیونی
که برای بازه زمانی میان مدت کنار
گذاشته بود را به سه ارز بیت‌کوین (دو
میلیون)، اتریوم (یک و نیم میلیون) و
لینک (پانصد هزار) اختصاص دادیم، و
قرار شد برای ورود و خروج از بازار،
استراتژی متفاوتی استفاده کنیم و این به
این معنی هست که قرار نیست همه دو
میلیون رو همین الان بیت‌کوین بخریم
بلکه این عددها به معنی این هست که
ما اجازه داریم حداکثر این مقدار بخریم
نه اینکه حتما باید این مقدار بخریم.

خب، داستان من و استاد اینجا تقریبا
تموم شد، ولی من سوال دومی هم از
خودم پرسیده بودم. سوال این هست که
حالا که می‌دونی با چقدر از سرمایه وارد
بازار می‌شی، چه بخشی از اون رو روی
بات‌ها، معاملات الگوریتمی و یا خرید و
فروش‌های خودکار سرمایه‌گذاری می‌کنی؟

استاد: نه! واقعا؟! خیلی زیاده. من نمی‌تونم
تحمل کنم. من استعفا می‌دم.

اون روز استاد اتاق رو ترک کرد، ولی بعد
از دو روز، وقتی که بیت‌کوین دوباره ATH زد و
به بالاترین قیمت‌ش در تاریخ رسید باز
سر و کلش پیدا شد و گفت که می‌تونه
با ۱۰ میلیون شروع بکنه و تحمل اینکه
اون بخش از داراییش برسه به پنج
میلیون رو هم داره.

من: چقدر عالی. همین الان اندازه تحمل
از دست دادن پولت رو تونستی پیدا کنی
و این خیلی خوبه برای شروع.

استاد: پس بریم که همه ده میلیون رو
بیت‌کوین بخریم تا دوباره نرفته بالا.

من: یه کم یواش! صبر داشته باش! قبل
از این‌که شروع کنیم باید مطمئن بشیم
که یک برنامه درست و قابل اجرا داریم و
انتظارا تمون با واقعیت جور در میاد. بیا
سه دوره زمانی برای خودمون تعریف کنیم:

- کوتاه مدت: بین یک تا سه ماه
- میان مدت: شش ماه تا یک سال
- بلند مدت: بیشتر از یک سال حتی تا
بسیست سال

این دوره‌ها رو تعریف کردیم تا بتونیم سود
و زیان رو بعد از اتمام دوره بسنجیم.

بعد هم می‌ایم و پولی که می‌خواهیم
سرمایه‌گذاری کنیم رو تو این دوره‌ها
تقسیم می‌کنیم. پیشنهاد من چیزی شبیه
این هست:

- بین ۵ درصد تا حداکثر ۱۵ درصد برای بازه
زمانی کوتاه مدت





اگر یادتون باشه سه بازه زمانی برای خودمون تعریف کردیم. برای کسب سود منطقی در بازه زمانی کوتاه مدت احتمالاً باید مانند یک معامله‌گر روزانه‌ی با نظم عمل کنیم. من چند سالی هست که از یک معامله‌گر روزانه بودن استعفا دادم و این بخش رو به معاملات الگوریتمی سپردم. البته که نیاز به دانش و تجربه در این بخش هست و باز هم حتی در این قسمت هم باید استراتژی‌های متفاوتی را دنبال کنیم که درصد ریسک از دست دادن سرمایه و از دست دادن سود را کاهش دهیم.

و اما نکته پایانی:

تمام اعداد و ارقام و درصدهایی که اینجا گفتم فقط برای این بود که بتوانم منظورم رو بهتر انتقال بدهم. اینکه چگونه این اعداد و درصدها رو پیدا کنیم نیاز به دانش و تجربه دارد. و اینکه باید منعطف باشید و در طول زمان با توجه به شرایط بتوانید هوشمندانه وزن‌هایی که اختصاص دادید را تغییر دهید. البته که باید برای این تغییرات قوانین و مقررات خود را قبلاً تنظیم کرده باشید. امیدوارم که از اون گروه نباشید که این جمله آخر رو با پوزخند می‌خوانید:

برای ورود به هر کاری مخصوصاً بازار مالی نیاز به دانش روز و تجربه است. لطفاً به امید رشد کردن درخت سکه، سکه‌های خودتون رو چال نکنید.

هشبات

تعمیرات تخصصی ماینر



تعمیر یا تعویض

دستگاههای ماینر تقریباً قیمت بالایی دارند به همین دلیل سرویس و نگهداری این دستگاهها از اهمیت بالایی برخوردار هست.

نکته‌ای که باید به اون توجه کنین مجموعه‌ای هست که دستگاه شما رو تعمیر یا سرویس می‌کنه.

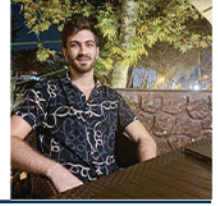
تقریباً ۳۰ درصد از دستگاههایی که برای تعمیر به هشبان ارسال می‌شه به دلیل دستکاری‌های اشتباه و غیر اصولی توسط افراد مبتدی یا غیر متخصص برای همیشه غیرقابل تعمیر می‌شه که شما به جای تعمیر مجبور به تعویض دستگاه با هزینه بالا می‌شوید.



WWW.HASHBAN.COM

📱 | hashabancom ☎️ | ۰۲۱۴۴۰۰۰۶۶۴





بدون ذره‌ای شک، بارها همگی کلمه مدیریت سرمایه را شنیده‌ایم؛ اما در این قسمت قصد دارم در مورد یکی از مهم‌ترین موضوعات، کنترل و نحوه محاسبه میزان ریسک هر معامله با شما سروران صحبت کنم؛ موضوعی که ندانستن آن نهایتاً منجر به از دست دادن سرمایه شما می‌شود.

ابتدا برایتان یک مثال تمثیلی خواهم زد؛ یک اسلحه هفت‌تیر، دارای هفت گلوله است زیرا در صورتی که فرد شلیک‌کننده یک تیر آن خطا رود، شانس دیگری داشته باشد؛ دقیقاً در معاملات شما باید در هر معامله مقداری از سرمایه خود را تحت ریسک قرار دهید که در صورت استاپ خوردن بازهم شانس بقا برای معاملات آینده در این بازار بی‌رحم داشته باشید. اکنون کمی وارد جزئیات می‌شویم تا این موضوع مهم تا ابد و یک روز در ذهن مخاطبان باقی بماند.

فرض کنید می‌خواهید به معامله‌ای ورود کنید که نماد آن بیت‌کوین (هر دارایی می‌تواند باشد) است که قیمت حاضر آن ۴۰۰۰۰ دلار است و حد ضرر شما بر اساس روش خودتان ۳۸۰۰۰ دلار است و میزان ریسک شما بروی اکانت یک درصد کل سرمایه است، در ضمن موجودی کل حساب شما ۱۰۰۰ دلار است. طبق فرمول زیر، می‌توانیم نحوه مقدار حجم پوزیشن خود را دست آوریم.

$$V = \frac{0.01 \times 1000}{40000 - 38000} \quad \text{ریسک مجاز در هر معامله} \times \text{موجودی کل حساب} = \frac{\text{نقطه ورود} - \text{حد ضرر}}{\text{حجم معامله}}$$

پس میزان حجم معامله شما برابر است با ۰/۰۰۵ که باید در قسمت حجم وارد کنیم.



آیا میزان ریسک در هر معامله را می‌توان تغییر داد؟ قطعاً بله دقیقاً این همان جایی است که افراد به احساسات خودباخته و تفاوت برنده و بازنده در این مکان بارز و روشن می‌شود.

اما چه زمان‌هایی ما می‌توانیم ریسک خود را زیاد یا کم کنیم؟

جواب یک کلمه‌ای نمی‌توان به این پاسخ داد ولی اگر در جایی که اطمینان کم باشد می‌توان ریسک را کاهش و در جایی که اطمینان بالا باشد ثابت نگه می‌داریم؛ دقیقاً درست خواندید، در صورت اعتماد زیاد نیز باید ریسک خود را افزایش ندهیم چون بازار غیرقابل‌پیش‌بینی است.

اکنون با یک مثال این موضوع حیاتی را بررسی می‌کنم.

فرض کنید شما بر اساس تکنیکال کلاسیک ترید می‌کنید و یکی از ستاپ‌های شما بر اساس بریک اوت الگوی وج است؛ در این زمان چون شما عملاً در حال خلاف روند ترید کردن هستید؛ باید ریسک خود را کاهش دهید. به‌طورکلی شما توانایی کاهش مقدار ریسک خود را دارید ولی افزایش آن را نه.

در پایان باید اضافه کنم معامله‌گری هنر کنترل احساسات غیرقابل‌کنترل انسانی است؛ دنیای معامله‌گری پر از پارادوکس‌هایی است که اتمام ندارند و شما هر روز و هر ثانیه باید با این احساسات مقابله کنید.

اگر مفهوم بالا را متوجه شده باشید شما یکی از مهم‌ترین بخش‌های مدیریت سرمایه یعنی کنترل ریسک را متوجه شده اید اما اکنون می‌خواهم کمی از یک زاویه متفاوت و به شکل مهندسی معکوس به این قضیه نگاه کنیم؛ با من همراه باش.

فرض کنید شما میزان ریسک خود را کنترل نکردید و با ریسک‌های زیاد به معامله ورود کردید چه می‌شود؟ آیا شما سود بیشتری دست می‌آورید؟ قطعاً بله؛ اما این سودهای بزرگ‌تر دوام ندارند درست مانند برفی که پس از آن آفتاب می‌تابد؛ در واقع میزان ریسک شما رابطه مستقیم با میزان سود و ضرر شما دارد.

اکنون که مفهوم بالا را بهتر متوجه شدید به نکات زیر توجه کافی کنید تا بهترین استفاده را از این مفهوم بکنید.

۱- ریسک شما در هر معامله بیشتر از ۱ درصد نباشد (این موضوع برای دوستان می‌تواند متفاوت باشد، اما حداکثر ۳ درصد باشد).

۲- در این روش فرقی نمی‌کند که استاپ شما کجا قرار دارد در هر شرایطی باید میزان پوزیشن سائز خود را دست آورید.

۳- به مقدار پولی که وارد هر معامله می‌کنید پوزیشن سائز می‌گویند.

امیدوارم تا اینجا این مطلب برای شما مفید بوده باشد و در ادامه نیز با من همراه باشید تا در مورد یکی از مهم‌ترین مطالب این موضوع صحبت کنم.

به احتمال زیاد بسیاری از شما دوستان گران قدر مطلب بالا را در جاهای زیادی مطالعه کرده‌اید اما در این مطلب قصد دارم به یکی از نکاتی که کمتر توجه می‌شود بپردازم.





به عنوان مثال شما آماده از دست دادن نیمی از سرمایه خودتان هستید. نتیجه نوشتن این مقدمه در دفتر شما این است:

شما به دنبال فرصتهایی از بازار می‌گردید که به شما حداقل سه تا پنج درصد کل سرمایه سود بدهد و برای این فرصت‌ها مجموعاً پنج میلیون تومان هم متضرر شدن را دارید.

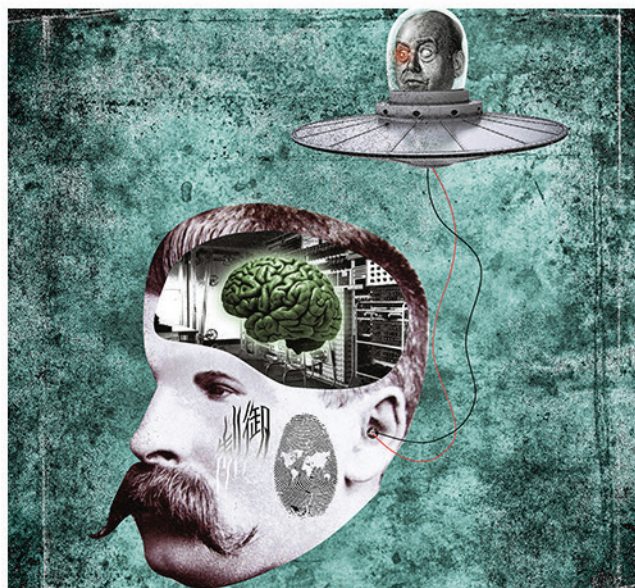
تبریک می‌گوییم! حالا شما شغل جدیدی را شروع کردید. درست مثل یک کاسب بازار موبایل یا میوه‌فروش.

مهم‌ترین وجه اشتراک شما با این شغل‌ها همین دفتر کل و حسابداری منظم هست. همان‌طوری که موبایل فروش باید حداقل روزی ۲۰۰ هزار تومان سود کند که خرج اجاره و خواب سرمایه‌اش را جبران کند، شما هم به عنوان معامله‌گر یک کارنامه برای سنجیدن خود ساختید.

حد ضرر بعد از درک نظم:

بعد از به دست آوردن اعداد شخصی خودتان حالا باید با ماهیت حد ضرر و نحوه استفاده از آن آشنا بشوید.

در مثالی که ذکر شد شما برای به دست آوردن سه میلیون تومان سود ماهانه حاضر به ریسک کردن پنجاه درصد از اصل سرمایه شدید، پس برای اینکه حد ضرر خودتان را مشخص کنید از ریسک به ریواری که در نظر داشتید استفاده می‌کنید، به زبان ساده‌تر شما باید وارد پوزیشنی شوید که حداقل دوبرابر حد ضرر شما حد سوددهی شما باشد (ریسک به ریوارد یک‌دوم).

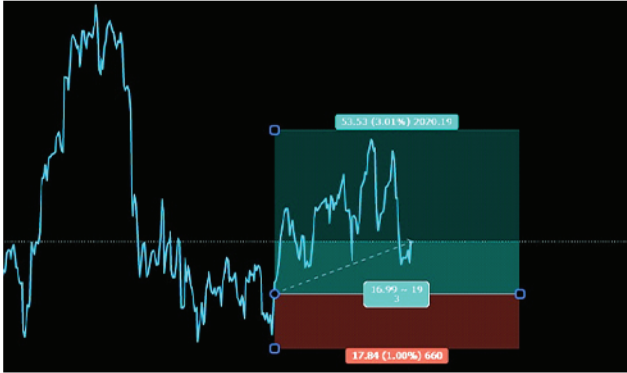


پیش‌نیاز یادگیری حد ضرر، به دست آوردن نظم و استراتژی معاملاتی هر فرد هست، بر همین اساس حد ضرر یک موضوع کاملاً اختصاصی برای هر معامله‌گر است، در نتیجه استفاده از استاپ لاس دیگران در مجموع منفعتی برای یک معامله‌گر ندارد.

پس اگر هدف از خواندن این مقاله یادگیری و استفاده از حد ضرر است، به شما پیشنهاد می‌کنم اول یک دفتر تهیه کنید، بعد هدف‌تان را از معامله‌گری به صورت ماهانه تعیین کنید. به عنوان مثال شما با ده میلیون تومان سرمایه وارد بازار شدید، و هدف شما پس‌انداز ماهیانه سه میلیون تومان پول است. در نتیجه شما به دنبال سود ماهیانه معادل سی درصد هستید. حالا در دفترتان بر اساس توانمندی و قدرت ذهنی خود تعداد معاملات خودتان را در یک ماه تعیین کنید.

به عنوان مثال شما بین ۱۰ تا ۱۴ معامله در ماه می‌توانید انجام بدهید و در آخر با توجه به روحیه و محل تأمین سرمایه ریسک‌پذیری سرمایه را هم در نظر بگیرید.

حد ضرر را در محلی می‌گذارید که در صورت اکتیو شدن جهت بازار هم عوض شود.

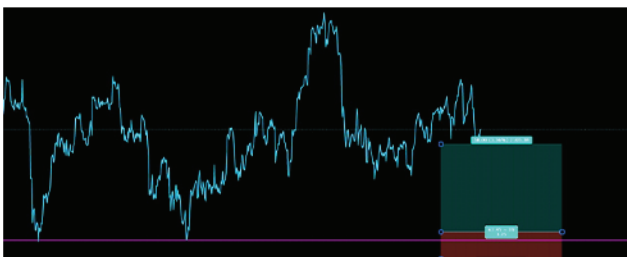


وقتی حد ضرر و تعیین می‌کنید ابزار شما، بر اساس ریسک به ریوارد استراتژی شما، دو نقطه ورود و سود را می‌دهد.

هر سه نقطه را در سفارش خودتان ثبت می‌کنید و اجازه می‌دهید که بازار مسیر خودش را طی کند. در صورتی که بازار به نقطه ورودتان برسد یک پوزیشن بیمه شده دارید، اما اگر مارکت بای بزنی مجبور می‌شوید که حد ضرر یا نقطه سود بزرگ‌تری در نظر بگیرید که استراتژی شما را بهم می‌ریزد.

اما اگر همه شرایط را در نظر بگیرید اما بازار طبق انتظارتان حرکت نکند، حد ضررتان فعال می‌شود.

در این سناریو شما مقداری از سرمایه را از دست می‌دهید اما چون بازار سطح مهمی را از دست داده ستاپ معاملاتی شما را روی سطح بعد قرار می‌دهد، نتیجه این پوزیشن جدید حجم بیشتر با سرمایه ثابت و ریسک کمتر هست که باعث پوشش دادن استاپ لاس قبلی می‌شود.



حالا کم کم پوزیشن‌ها ظاهری قابل فهم پیدا کرده و یک خط کش برای سنجیدن فرصت‌هایی دارید که بازار به شما می‌دهد. در بازار سرمایه قانونی وجود دارد به عنوان قانون ۸۰ به ۲۰.

این قانون به ما می‌گوید ۲۰ درصد پوزیشن‌های ما معمولا سوددهی بیشتری از باقی ۸۰ درصد پوزیشن‌ها دارند.

پس نکته اصلی برای موفقیت به عنوان معامله‌گر به دست آوردن تداوم در معامله‌گری هست تا آن ۲۰ درصد خودش را به ما نشان بدهد.

استفاده از ابزاری که ساختیم:

یکی از نکات مهم برای هر معامله‌گر تشخیص پوزیشن‌هایی هست که مختص خودش و شرایط مدیریت سرمایه‌اش هست. ترکیب ابزاری که داریم با علم تکنیکال به ما سه تا نقطه باید بدهد: نقطه ورود، نقطه سود و حد ضرر.

یکی از اشتباهات بزرگ معامله‌گرهای تازه وارد گرفتن پوزیشن بر اساس نقطه ورود هست که عموما از سیگنال‌هایی که در بازار وجود دارد نشات می‌گیرد.

گرفتن چنین پوزیشن‌هایی هم باعث ایجاد حس فرسایشی دنبال کردن قیمت می‌شود، هم به تعداد زیادی حد ضرر شما را فعال می‌کند. در نتیجه شما یا پوزیشن‌ها را با سودهای کم می‌بندید یا آنقدر حد ضررتان می‌خورد که سرمایه شما به مرور آب می‌رود.

در نتیجه پیشنهاد من گرفتن پوزیشن بر مبنای حد ضرر هست که با کمک چند عکس به شما توضیح می‌دهم:

در ابتدا به صورت پیش‌فرض در نظر می‌گیرم که شما علم تکنیکال کافی جهت به دست آوردن حمایت‌های مهم و نقاط پیوت را دارید.



جمع‌بندی:

- برای درک درست از موضوع حد ضرر و استفاده عملی از آن در معاملاتتان شما باید منظم و متعهد بودن را تمرین کنید. اهداف ماهانه داشته باشید و حداقل به اندازه یک کاسبی عرف، پس‌انداز جمع بکنید.
- کف تکنیکال به دست بیاورید، استاپ را جایی تعیین کنید که روند عوض شود. بر مبنای استاپ و مدیریت سرمایه نقطه ورود و سود را مشخص کنید.
- اگر استاپ خورد شما فرصت جدید برای پوزیشن گرفتن به دست می‌آورید که حجم بیشتر و ریسک کمتری دارد.



معاملاتی خود را درک کند. بر اساس روشی که استفاده می‌شود، ممکن است رسیدن به هدف دلاری یا درصدی غیرممکن باشد اما در عین حال برنامه معاملاتی همچنان می‌تواند معتبر باشد و بازده خوبی داشته باشد. اما معامله‌گر در این شرایط ممکن است یا استراتژی را کنار بگذارد یا در تلاش برای یافتن بازدهی بیشتر از آن منحرف شود. برای بسیاری از معامله‌گران، این یک چرخه بی‌پایان از کنار گذاشتن استراتژی پس از استراتژی می‌شود.

نگاه کردن به نمودار در آینده باعث می‌شود معامله کردن آسان به نظر برسد، اما کسانی که معامله می‌کنند می‌دانند که سخت‌تر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد. معامله‌گران نه تنها باید در مورد بازار، بلکه در مورد خودشان نیز آگاه شوند.

درست مانند هر کسب‌وکار دیگری، برای تبدیل شدن به یک معامله‌گر خوب باید روی یک فرایند منسجم تمرکز کنید.

نتایج فوری نمی‌آیند. بیشتر کسب‌وکارها قبل از کسب سود به زمان زیادی نیاز دارند و بسیاری از کسب‌وکارها کاملاً شکست می‌خورند. معامله کردن هم تفاوتی ندارد. بدون درک چگونگی عملکرد واقعی بازار و توسعه یک فرایند مناسب، نتایج بر اساس شانس است خواهند بود و نه مهارت.

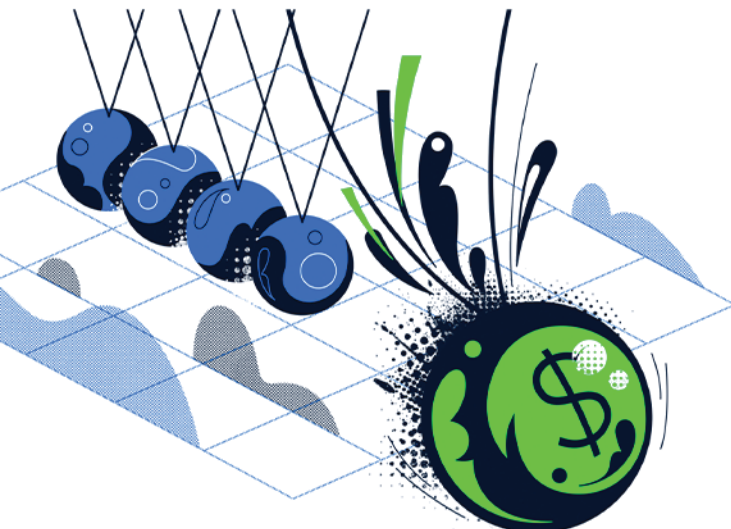


وقتی شروع به معامله می‌کنید، سوالات زیادی وجود دارد. با وجود حجم اطلاعات موجود، تصمیم‌گیری برای شروع کار دشوار است. هدف‌گذاری می‌تواند کمک‌کننده باشد. اما اغلب معامله‌گران اهداف اشتباهی را تعیین می‌کنند. به عنوان یک معامله‌گر، اهداف اولیه شما باید در نهایت کمک کند تا پول به دست بیاورید، اما کسب درآمد نباید هدف شما باشد. در عوض، اهداف اولیه خود را بر روی فرایندها و خصوصیات معامله‌گران حرفه‌ای تعیین کنید.

به جای نتیجه، فرایند را هدف بگیرید

در ابتدا، معامله‌گران می‌خواهند اهداف عددی ایجاد کنند: "من ۱٪ در روز از سرمایه ۳۰۰۰۰ دلاری خود کسب خواهم کرد" یا "من ۳۰٪ در سال درآمد خواهم داشت". اگرچه ساده به نظر می‌رسد، اما برای رسیدن به درصدی معین یا رسیدن به اهداف دلاری باید رویکرد خود را نسبت به بازار اصلاح کنید و نظم و انضباط خود را تقویت کنید. با غرق شدن در بازار و انتظار به دست آوردن مقدار مشخصی پول دستیابی به هدف در درازمدت تقریباً غیرممکن می‌شود.

این نوع اهداف، معامله‌گری می‌خواهد که واقعاً توانایی‌ها و محدودیت‌های برنامه



استراتژی خود را ساده نگه دارید

یک استراتژی پیچیده می‌تواند بسیار جذاب باشد. بسیاری از مردم بر این باورند که چون چیزی پیچیده است، احتمال بیشتری وجود دارد که کار کند. از تخیل بیش از حد در تحلیل و استراتژی‌های معاملاتی خود یا پیچیده‌تر کردن یک برنامه معاملاتی موفق خودداری کنید. معمولاً این کار فقط باعث از بین رفتن سودآوری آن می‌شود. هنگام شروع به کار فقط بر یک بازار و چند استراتژی ساده تمرکز کنید.

هدف در اینجا اجتناب از تغییرات مداوم برای بهبود عملکرد یا جابه‌جایی مداوم بین بازارها، استراتژی‌ها یا روش‌های تجزیه و تحلیل مختلف است. به برنامه خود بچسبید. اگر گاهی نیاز به بازنگری دارد، خوب است، اما بازبینی‌ها را ساده نگه دارید و از پیچیده شدن بیش از حد خودداری کنید.

کلام آخر

هنگام شروع به کار یک معامله‌گر با آرامش باشید که بر روی چند هدف قابل مدیریت متمرکز شده است. اگر طبق برنامه معاملاتی معامله کنید، در صورت نبود فرصت مناسب معامله نکنید و از پیچیدگی بیش از حد خودداری کنید، نتایج به‌موقع به دست خواهند آمد.

همیشه برنامه داشته باشید

در مدرسه تجارت به شما آموزش داده می‌شود که برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار به یک برنامه تجاری نیاز دارید. معامله کردن یک کسب‌وکار است؛ بنابراین، هر بار که معامله می‌کنید باید طبق یک برنامه سنجیده و حساب شده معامله کنید.

این برنامه باید شامل نحوه ورود به معاملات و خروج از آنها و نحوه مدیریت سرمایه باشد. این برنامه باید دارای جزئیات دقیق باشد. ترسیم بازارهایی که قرار است معامله شوند، ریسک‌ها، سیگنال‌های ورود و خروج، فیلترهایی که برای سیگنال‌ها استفاده می‌شوند، حجم معاملات، محیط بازاری که معامله می‌شود و روش معامله در آنها باید مشخص باشد. بنابراین، هدف در اینجا ایجاد یک برنامه کامل قبل از انجام معامله است.

معامله نکردن را یاد بگیرید

زمانی که یک هدف دلاری مشخص شده باشد، معامله‌گران حتی زمانی که فرصت معاملاتی مناسبی وجود نداشته باشد برای رسیدن به آن هدف تلاش می‌کنند. از نظر آماری بازار همیشه فرصت‌های معاملاتی را ارائه نمی‌کند. اغلب برای شما بهتر خواهد بود که کاری نکنید یا تلویزیون تماشا کنید. این موضوع برای اکثر مردم خوشایند نیست؛ آن‌ها می‌خواهند به طور مداوم کاری انجام دهند. این موضوع در بازار می‌تواند به آرامی (یا به سرعت) سود حاصل از معاملات خوب را کاهش دهد.

انجام معامله خارج از برنامه، موضوعی رایج است که شایسته توجه ویژه است. یکی از اهداف خود را تا حد امکان منضبط دنبال کنید و فقط معاملاتی را انجام دهید که در برنامه مشخص شده است.





در یک سال گذشته برای بیت‌کوین که در یک بازه‌ی مشخص بین ۳۰ هزار دلار و ۶۵ هزار دلار نوسان کرده است؛ این استراتژی بیش از هر مدل دیگری در سرمایه‌گذاری بازده داشته است.

اجازه دهید تا با ذکر یک مثال شما را بیشتر با متوسط هزینه دلاری آشنا کنم. فرض کنید بازار در یک حالت بی‌روند و سایدویز به سر می‌برد و شما قصد دارید تا \$۵,۰۰۰ صرف خرید بیت‌کوین کنید. به جای اینکه این مبلغ را به صورت یکجا برای خرید مصرف کنید، شما می‌تواند آن را به ۱۰۰ قسمت مساوی ۵۰ دلاری تقسیم کنید و هر روز این ۵۰ دلار را خرید کنید. این روند تقریباً ۳ ماه زمان شما را می‌برد که تحقیقات نشان می‌دهد در خرید پله‌ای و استفاده از DCA در ۹۰ درصد مواقع، قیمت نهایی خرید شما از وقتی که کل سرمایه را به صورت یکجا خرید می‌زنید پایین‌تر خواهد بود.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات سرمایه‌گذاران فعال در هر بازار مالی‌ای پیدا کردن نقطه مناسب ورود به یک رمزارز/ سهم ارزشمند است. هیچ‌کدام از ما پیشگو نیستیم که بتوانیم پایین‌ترین نقطه مناسب برای ورود را پیدا و شکار کنیم؛ بنابراین راه‌حل چیست؟ روش سرمایه‌گذاری DCA به همین منظور به‌وجود آمده است و ما نیز به بررسی و یادگیری این استراتژی می‌پردازیم. با ما همراه باشید.

DCA چیست؟

DCA که مخفف شده عبارت (Dollar Cost Averaging) است در لغت به معنای "متوسط هزینه دلاری" است.

به بیان ساده، DCA یک استراتژی انباشت است که در آن، شما مقدار کل سرمایه موردنظر برای خرید به بخش‌های مساوی تقسیم می‌کنید و آن‌ها را در فواصل زمانی منظم و معین خرید می‌کنید.

دلیل این کار این است که وقتی ما، به طور منظم در زمان‌های مختلف یک دارایی را می‌خریم، متوسط هزینه‌ای که برای خرید آن می‌پردازیم، در طولانی‌مدت متعادل‌تر می‌شود و پایین‌تر می‌آید؛ بنابراین برای هر سرمایه‌گذاری، مخصوصاً سرمایه‌گذاران زمینه کریپتوکارنسی شناخت بیشتر و عمیق‌تر DCA لازم است.

هدف اصلی در این استراتژی این است که هزینه نهایی برای خرید یک دارایی در بلندمدت کاهش یابد و متعادل‌تر شود.

همچنین اگر نقطه ورود اشتباهی داشته باشیم با این استراتژی ریسک آن ورود اشتباه به میزان حداقلی خود می‌رسد.



هرچه نقطه خرید مناسبی داشته باشیم اما به موقع نفروشیم، سودی برای ما محقق نمی‌شود؛ بنابراین داشتن بازه خروجی از پیش معین شده که در آن بازه نیز به صورت پله‌ای شروع به فروش و محقق کردن سود کنیم نیز از الزامات استفاده از DCA است.

در آخر بهتر است با یک مثال واقعی از سرمایه‌گذاری بیت‌کوین همراه باشیم. اگر از سقف قیمتی بیت‌کوین در ۲۰۱۷ (بدترین حالت) شروع به خرید به مدل DCA می‌کردید و ماهانه همان ۵۰ دلار را می‌کردید، تا به الان چیزی حدود ۲۰۳ درصد بازده داشتید و این مبلغ بسیار مناسبی برای ۳ سال سرمایه‌گذاری به حساب می‌آید.

جمع‌بندی و سخن آخر

استراتژی متوسط هزینه دلاری یا همان DCA توانایی این را دارد که اثرات نوسانات قیمتی زیاد را روی سرمایه‌گذار به میزان قابل توجهی کاهش دهد و نقطه ورود مناسبی در انتها به خریدار تحویل دهد، اما در نهایت تضمین‌کننده‌ی موفقیت شخص سرمایه‌گذار نیست. چرا که DCA به‌طورکلی ریسک را از بین نمی‌برد و به تنهایی نباید عاملی باشد که سرمایه‌گذار به آن تکیه کند و عوامل دیگر را نیز باید در نظر داشته باشد.

حال فرض کنید بازار وارد یک دوره رکود یا اصطلاحاً وارد زمستان مارکت شده‌ایم و پیش‌بینی شده است بازار برای یک و نیم الی دو سال روند ریزشی داشته باشد و شما بخواهید این \$۵,۰۰۰ را صرف خرید بیت‌کوین نمایید. این بار نیز شما این سرمایه را به ۱۰۰ بخش مساوی ۵۰ دلاری تقسیم کرده، اما به جای روزی یک‌مرتبه، هفته‌ای یک‌مرتبه خرید انجام می‌دهیم که نهایتاً چیزی حدود یک سال و نیم زمان می‌برد و در هنگام شروع روند صعودی بعدی شما با میانگین خرید بسیار خوب و کم‌ریسکی سود خوبی می‌کنید.

این استراتژی بیشتر مناسب افرادی است که قصد سرمایه‌گذاری دارند اما ریسک‌پذیری بالایی ندارند و صرفاً به دید یک دارایی ارزشمند برای سرمایه‌گذاری به بیت‌کوین نگاه می‌کنند. در بیان و تئوری بسیار روشی ساده و پربازده است اما در اصل پیاده کردن این روش در واقعیت است که مهم است.

زیرا این استراتژی به ما خرید سیستماتیک و هدفمند را یاد می‌دهد و کنترل احساسات در زمانی که احساس می‌کنیم قیمت کف هست و بیشتر از ۵۰ دلار مشخص شده‌مان بخریم یا قیمت بالا است این هفته را خرید نکنیم مهم است که این توالی خرید منظم و مشخص را انجام دهیم و تکرار کنیم. لازم به ذکر است که استفاده از DCA در بازار بی‌روند، رنج و نزولی بسیار مناسب است، اما در بازار صعودی این استراتژی پیشنهاد نمی‌شود. چرا که ریسک نهایی خرید را بالا برده و امکان متضرر شدن شما را بالا می‌برد.

داشتن محدوده مشخص خروج نیز در این استراتژی اهمیت بسیار بالایی دارد، زیرا





If You Want To Donate Us



LNURL1DP68GURN8GHJ7MR9VA
JKUEPWD3HXY6T5WVHXXMMD9
AKXUATJD3CZ7CTSDYHHVVF0D3
H82UNV9UUNGWG7TSHAU

BTC
(Lightning)



BNB
(bep20)



USDT
(Trc20)



TOMO



XRP



Dogecoin



TRX





R:R MONDAY

January 10 / 2022

